

تأثیر برنامه‌درسی قصه‌گویی بر خلاقیت و هویت کودکان در دوره پیش‌دبستان

حجت افتخاری^۱، طاهره بنی اسدی^۲، جابر افتخاری^۳، غلامرضا بخشی زاده^۴

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر برنامه درسی قصه‌گویی بر خلاقیت و هویت کودکان پیش‌دبستان بود. بدین منظور در چهارچوب روش پژوهشی اسنادی-تحلیلی، ۵۰ نفر از کودکان پیش‌دبستانی شهر نی‌ریز در پژوهش شرکت داده شدند. طرح پژوهش از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون بود. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد خلاقیت و هویت کودکان استفاده شد. پس از انجام پیش‌آزمون برنامه‌ی قصه‌گویی به مدت ۶ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای اجرا شد و در پایان پس‌آزمون انجام شد. نتایج نشان داد که خلاقیت تمامی آزمودنی‌ها در پایان برنامه‌ی قصه‌گویی افزایش یافته است. همچنین بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون رشد هویت کودکان تفاوت معنی‌داری مشاهده شد. در ادامه، نتایج نشان داد که ارتباط معناداری بین شاغل بودن مادران و خلاقیت فرزندان وجود ندارد؛ بین شاغل بودن مادران و رشد هویت کودکان رابطه معنی‌داری وجود داشت؛ همچنین ارتباط معناداری بین وضعیت اقتصادی خانواده و خلاقیت فرزندان وجود داشت؛ اما بین وضعیت اقتصادی خانواده و رشد هویت کودکان معنی‌داری مشاهده نشد.

کلید واژه‌ها: قصه‌گویی، خلاقیت، هویت، کودکان پیش‌دبستان.

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه هرمزگان، ایران، نویسنده مسئول، hojjat.eftekhari^{۱۸}@gmail.com

۲. کارشناس ارشد حقوق، ایران.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه شیراز، ایران.

۴. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، ایران.

دریافت: ۹۷/۷/۱۱ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۷

مقدمه

در عصر حاضر دانش آموزان برای رویارویی با تحولات شگفت انگیز هزاره سوم میلادی باید مهارت های تفکر انتقادی و خلاق خود را به منظور تصمیم گیری مناسب و حل مسائل پیچیده جامعه بهبود بخشند. روشن است که برای دستیابی به این هدفها، مسئولیتی سنگین بر دوش مراکز آموزش، به ویژه آموزش و پرورش قرار می گیرد. این مراکز از یک سو وظیفه آموزش دانش ها و تجهیز دانش آموزان به اطلاعات مورد نیاز آنان را بر عهده دارند و از سوی دیگر باید زمینه ای را فراهم آورند تا به رشد و پرورش خلاقیت و نوآوری و استفاده صحیح و جهت دار از این استعداد و توانایی کمک کند (دیکن^۱ و همکاران، ۲۰۰۷). در جهان امروز پرورش خلاقیت یکی از محورهای اساسی نظام آموزشی است و معلمان نقش بسیاری در رشد یا سرکوبی خلاقیت دانش آموزان دارند، روانشناسان پرورشی معتقدند معلمان می توانند شیوه های تفکر خلاق و راه تقویت توانایی های خلاقانه را به افراد و به ویژه به کودکان و نوجوانان بیاموزند؛ زیرا فرض بر این است که کودکان دارای اشتیاق ذاتی برای کشف هستند که آموزش باید آن را تغذیه کند (قاسم زاده، ۱۳۷۳).

واژه ی هویت ریشه در زبان لاتین دارد و دارای دو معنای پایه ای است. معنای اول آن بیانگر گونه ای تشابه مطلق است و معنای دوم آن، به مفهوم تمایز اشاره دارد که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می گیرد (نوجه فلاح، به نقل از علیخانی، ۱۳۸۳). هویت هیچ گاه مفهوم ثابتی نداشته است و این بی ثباتی را می توان در شرایط در حال تغییر جهان، پی جویی کرد؛ چرا که هویت فرد یا گروه به شدت متأثر از بافت بوده، در شرایط کنونی جهان هیچ بافتی جدا از بافت های دیگر نیست. البته باید توجه داشت این بی ثباتی، منفی نبوده، بلکه ماهیت مفهوم هویت است. متفکران زیادی از جمله تاجفل، استرایکر، اسمیت، تیلور، گلاسر و متفکران پست مدرن به نظریه پردازی و مدل پردازی پیرامون مفهوم هویت در زمینه های گوناگونی از جمله جامعه شناسی، روانشناسی، ادبیات و علوم سیاسی پرداخته اند. با این حال یکی از حوزه هایی که مفهوم هویت، به شکل جدی می تواند در آن در نظر گرفته شود، ادبیات است. ادبیات، شناسنامه و هویت هر ملت است که در سیر تاریخی به نگارش درآمده است. یکی از عرصه های ادبیات، داستان های کودک است. با توجه به اثرپذیری کودکان از داستان و از طرفی نیروی پذیرندگی بالای آنها در دوره ی کودکی، این داستان ها می تواند در شکل گیری هویت کودکان موثر باشد (ذاکری و شمشیری، ۱۳۹۴). ادبیات کودک شامل قصه، شعر، نمایش، افسانه و داستان و ... است. ادبیات کودکان عبارت است از: تلاشی هنرمندانه در قالب کلام برای هدایت کودک به سوی رشد، با زبان و شیوه ای مناسب و درخور فهم او. به بیانی دیگر ادبیات عبارت است از چگونگی تعبیر و بیان احساسات، عواطف و افکار به وسیله ی کلمات در اشکال و صورت های گوناگون (شعاری نژاد، ۱۳۸۴).

ادبیات، کودک را در همه ی اوقات زندگی پرورش می دهد و باعث مسرت خاطر، وسعت تخیل و قوت تصور او می شود و نیز نیروی ابتکار و ابداع به او می بخشد. داستان ها و اشعاری که کودکان می خوانند و می شنوند اثری عمیق در فکر و روحیه ی آنان می گذارد و ایشان را برای رویارویی با مسائل رشد و معاشرت با دیگران آماده می سازد و نیز در درک و فهم مشکلات زندگی آنان را یاری می کند. ادبیات کودک، به ویژه در زمینه های زبان آموزی و آموختن کلمات تازه به کودکان، نقش قاطعی دارد. قصه و قصه گو آشنای همه انسان ها در همه روزگاران و جوامع است. قصه تنها، فاتح دنیای کودکان نیست بلکه بزرگسالان نیز هنگام شنیدن یا خواندن قصه، درست مثل کودکان، با

^۱ Daykin et al

قصه همدل و همراه می‌شوند و صمیمیت و صفای کودکان می‌یابند. قصه پاسخی است به کنجکاوی انسان و کنجکاوی یکی از ابعاد فطرت انسان است. قصه، آیینی‌ای است که شنونده یا خواننده خود را در آن می‌یابد. انطباق، الگوبرداری، همسان‌سازی و گاه بازگو کردن در تنهایی و یا نمایش قصه توسط کودکان، نشان‌دهنده همین ویژگی است. علاوه بر این قصه‌ها پاسخی به نیاز انسان به آرامش نیز هستند و اینکه قصه از دیرباز تاکنون با لحظه‌های خواب پیوند داشته است به همین دلیل است. هم‌چنین آرزوها و آرمان‌ها نیز عمدتاً در داستان‌ها تحقق یافته‌اند (شعاری نژاد، ۱۳۸۴).

اخیراً روانشناسان به بررسی اهمیت داستان در زندگی کودکان و نوجوانان پرداخته‌اند اعم از اینکه یک داستان خاص به خاطر سپرده شود یا خیر. بازگویی یک داستان همیشه برای رشد و هویت کودک مفید است. نحوه‌ی این تأثیرگذاری هنوز روشن نیست جز اینکه هر داستانی تجارب و هیجان‌های شنونده را درگیر می‌سازد و یادگیری را تسهیل می‌کند. درک معنای زندگی چیزی نیست که ناگهان در سنی خاص یا حتی رسیدن به سن بلوغ حاصل می‌شود، انسان در هر سنی بسته به اینکه ذهن و ادراک او تا چه اندازه تکامل یافته باشد در جست‌وجوی پاره‌ی کوچکی از معنای زندگی خود است (جمال‌زاده، ۱۳۸۱).

قصه‌ها نقش بسیار مهمی در تکوین شخصیت کودکان و ترغیب آن‌ها به ارزش‌های اخلاقی و پرورش حس زیبایی‌شناسی در کودکان و متوجه ساختن آن‌ها به دنیای اطرافشان دارند. هنر قصه‌گویی به دلیل لذت آفرین بودنش تأثیر زیادی در برانگیختن مخاطبان دارد. به گفته جک مگوری^۱ (۱۹۸۸) «گستره قصه‌گویی به اندازه‌ای است که نمی‌توان آن را دست‌کم گرفت. بخش گفتن قصه روی مهم‌ترین جنبه آن اثر می‌گذارد؛ اما در عین حال شامل گوش کردن، تصور کردن، اهمیت قائل شدن، قضاوت کردن، خواندن، مناسب‌سازی، خلق کردن، مشاهده کردن، به خاطر سپردن و برنامه‌ریزی است. قصه‌گویی، یک هنر شخصی است، شکلی از هنر که آفریدگارش یعنی گویندگان و شنندگان باید انسان‌های زنده باشند. هنری است که خود را به راحتی در معرض رقابت با تکنولوژی قرار می‌دهد، اما وقتی که به صورت یک فراورده عرضه می‌شود تنها یک بدل است و فقط اصل آن دارای ارزش حقیقی است و هنر واقعی به شمار می‌آید؛ بنابراین آموزگاران که قصه می‌گویند هرگز نباید نگران رقابت قصه‌گوهای الکترونیکی باشند. برنامه‌هایی که بر روی صفحه و نوار ضبط شده است در زندگی دخترها و پسرهای جایی را اشغال می‌کند اما جای کوچکی را. این فراورده‌ها باید با شگفتی‌های دیگر تکنولوژی که کودکان با خونسردی تمام آن‌ها را می‌پذیرند رقابت کند» (چمبرز^۲، ترجمه قزل ایاغ، ۱۳۹۰).

همه کسانی که قصه می‌گویند یا می‌شنوند با این نظر موافق‌اند که «هنر قصه‌گویی با نابودی کامل فاصله بسیاری دارد. ممکن است از کنار آتش کلبه‌ها به کلاس‌هایی که به وسیله‌ی متهایی‌ها روشن می‌شود، به راهروهای مرموز و به جاهای کاملاً متفاوت دیگری نقل مکان کرده باشد، اما باز هم این هنر کهنسال و قدیمی برای افسون کردن قدرت دارد» (چمبرز، ترجمه قزل ایاغ، ۱۳۹۰).

قصه‌گویی نوعی آگاهی ارزشمند و حس احترام به زندگی در مخاطب ایجاد می‌کند. قصه‌گویی هنر گوش سپردن (دقت شنیداری) را تقویت می‌کند و چنانچه داستانی که برای کودکان نقل می‌شود ارزش شنیدن داشته باشد آنان مشتاق یادگیری کلیدهایی در داستان می‌شوند

۱. Jackie Megrey

۲. Chambers

که نمادها را برای آنها می‌گشایند و معنا می‌کنند. کودک کاملاً با شخصیت و حوادث مستقل داستان همراه می‌شود و آنها را با دیگر موقعیت‌های زندگی روزمره خود همسان می‌پندارد. شنیدن قصه امکان تمرین تصویرسازی ذهنی را برای کودک فراهم می‌سازد. کودک با شنیدن قصه، صحنه‌ها، اعمال و شخصیت‌های آن را خلق می‌کند. توانایی تجسم و خیال‌پردازی مبنای تصور خلاق است و به نظر می‌رسد این توانایی بر رشد شناختی و اجتماعی کودک تأثیری مثبت دارد. برخی عقیده دارند که با قصه می‌توان میزان درک شنیداری و رشد بیانی کودکان با ناتوانی‌های یادگیری را با استفاده از داستان افزایش داد (روشن، ۱۳۸۵). در این مقاله الگویی از قصه‌گویی پیشنهاد شده که می‌تواند هر یک از فرصت‌ها را در قالب موقعیت‌های خیالی و دیالوگ‌های ساده برای مربیان پیش‌دبستان و اولیاء به تصویر بکشد.

شرط موفقیت یک برنامه نظیر قصه‌گویی در مدارس روانی و موزون بودن آن است. در یک نظام تعلیم و تربیت باید بخش‌ها مکمل هم باشند و در عین حال آن‌قدر قدرت داشته باشند که مستقل به کار آیند. اگرچه امروزه به عواملی نظیر تفکیک بودجه و کاهش تعداد کارکنان در نظام‌های آموزشی اشاره می‌شود، با این حال رویکردهای تازه‌ای نسبت به فعالیت‌هایی نظیر قصه‌گویی در حال پیدایش است. به نظر می‌رسد برای رفع مشکل عدم توانمندی معلمان به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عناصر آموزشی باید دوره‌هایی برای آنها برگزار شود. مدیران، معلمان و سایر افراد دست‌اندرکار نظام تعلیم و تربیت بایستی نسبت به شرکت در برنامه‌های قصه‌گویی ترغیب شوند، چون اگر بهترین قصه‌ها هم در خدمت شخصی که علاقه‌مند به قصه‌گویی نباشد قرار گیرد و نتواند از عهده‌ی ارائه‌ی آن برآید، در واقع کاری عبث انجام شده است. دوره‌های آموزش ضمن خدمت که بعضاً بی‌توجه به نیازهای واقعی معلمان برگزار می‌شود نتایج مفیدی را به دنبال نخواهد داشت، اما با شناسایی افراد توانمند و علاقه‌مند و برگزاری دوره‌های ضمن خدمت ویژه‌ی آنان کم‌کم نگرش‌ها نسبت به قصه‌گویی تغییر خواهد کرد (بیدمشکی، ۱۳۸۵).

یکی از موفق‌ترین راه‌های تربیت غیرمستقیم، هنر است که به علت زیبایی و انتزاعی بودنش می‌تواند هر امر تربیتی را در پوششی زیرکانه در اوج اثرگذاری بر ذهن مخاطب بنشانند. (اکبرلو، ۱۳۸۹). در کشور ما به‌رغم وجود گنجینه‌های علم و معرفت و داستان‌ها و افسانه‌های زیبا و آموزنده، اولیا و مربیان بیشترین وقت خود را به مسائل آموزشی کودکان اختصاص می‌دهند و دانش‌آموزان نیز در خانه و مدرسه بیشتر اوقات خود را صرف یادگیری‌های غیرفعال کرده، از سختی و خشکی دروس و اضطراب امتحان و نمره رنج می‌برند. بدین ترتیب اغلب اولیا و مربیان از هدف اصلی تعلیم و تربیت که پرورش انسان‌های خلاق، مبتکر و کارآمد است، باز می‌مانند. هدف از ذکر این مطالب آشنایی با روش‌های قصه‌خوانی و قصه‌گویی برای کودکان دبستانی است که نقش بسزایی در رشد و شکوفایی خلاقیت در کودکان دارد (صدرزاده، ۱۳۸۹). قصه‌گویی یکی از بهترین روش‌ها برای ورود به دنیای کودکان است که به آنها می‌آموزد چگونه با مشکلات، خلاقانه برخورد و آن را حل کنند (همتی^۱، ۲۰۱۰). با کمک گرفتن از روش قصه‌گویی می‌توان تغییرات شگرفی در زمینه یادگیری، سواد آموزی و خلاقیت کودکان ایجاد کرد (ریموند^۲، ۲۰۰۸).

^۱ -Hemati

^۲ -Raymond

فهم بخشی از رمز و رازهای زندگی، القای مفاهیم تربیتی، اخلاقی و آموزشی، دلیل دیگری است که قصه‌گویی و قصه‌پردازی را سبب می‌شود. قصه به سخن یا نوشته‌هایی از روزگاران قدیم و جدید اطلاق می‌شود که در آن شخصیت‌های گوناگون خیالی یا واقعی ماجراهایی می‌آفرینند. قصه‌ها از روزگاران قدیم برای آموزش، انتقال تجربه‌ها و تاریخ هر قوم از نسلی به نسل دیگر پدید آمده‌اند. گاهی قصه‌ها پاسخی به ناکامی‌های انسان می‌باشند که قهرمانان قصه‌های کهن مانند انسان‌های فقیر، کچل و... گواه این خصوصیات است. لازم به ذکر است که اصطلاح قصه در این نوشتار شامل همه اصطلاحات دیگر همچون افسانه، حکایت و داستان نیز می‌شود (پلوسکی^۱، ترجمه اقلیدی، ۱۳۹۴). داستان‌ها به انواع گوناگون رمان (داستان بلند) ناول (داستان کوتاه) و داستانتک (داستان بسیار کوتاه) تقسیم می‌شوند. در ادبیات سنتی به ماجراهایی کوتاه نثر یا نظم که به صورت مستقل یا در ضمن موضوعات در کتاب‌ها ذکر می‌شود که به این ماجراها، حکایت می‌گویند (شعاری نژاد، ۱۳۸۴).

کودکان شیفته قصه و قصه‌گویی هستند. قصه تأثیری ژرف در روان، زبان و شخصیت و هویت کودک برجا می‌گذارد. برخی از تأثیرات قصه در کودکان عبارت‌اند از (بیدمشکی، ۱۳۸۵):

انتقال مفاهیم: قصه به دلیل کشش، زیبایی و انگیزش کنجکاوی می‌تواند بسیاری از مفاهیم را به دنیای کودک انتقال بدهد. روش غیرمستقیم انتقال مفاهیم نه تنها باعث جذب بهتر و سریع‌تر مفاهیم به ذهن و زبان کودک می‌شود که فهم آن‌ها را عینی‌تر و ساده‌تر می‌سازد. به همین دلیل می‌توان داستان را از جدی‌ترین و بنیادی‌ترین روش‌های انتقال مفاهیم به دنیای مخاطب به‌ویژه کودکان دانست. به‌عنوان مثال داستان‌های علمی در همین جهت ساخته و پرداخته می‌شوند.

انتقال ارزش‌ها: قصه‌ها در طرح فضیلت‌ها و بایسته‌های رفتاری یا تخطئه و نفی ضد ارزش‌ها و رفتارهای زشت و ناروا تأثیری ژرف دارند. از دیرباز تاکنون و در همه ملت‌ها و اقوام این ویژگی از شاخص‌ترین خصوصیات داستان‌ها و داستان‌گویان بوده است. دعوت به راست‌گویی، شجاعت، انسان‌دوستی، بخشندگی، کمک کردن حتی به حیوانات، پرهیز از دروغ، خیانت، دورویی، ترس، خساست، ناپاکی، ظلم و دیگر رذیلت‌های اخلاقی، محور و موضوع بیشتر داستان‌ها در ملل گوناگون است.

اصلاح رفتارها: قصه‌ها با بیانی غیرمستقیم کودک را به اصلاح رفتار دعوت می‌کنند. قصه به کودکان و بزرگسالان می‌آموزد که چگونه باید باشند. چون در قصه‌ها همسان‌سازی و انطباق با قهرمان یا قهرمانان قصه فراهم می‌شود؛ بنابراین اصلاح رفتار طبیعی‌تر، سریع‌تر و بهتر اتفاق می‌افتد. بسیاری اوقات دیده شده است که کودک بلافاصله نقش قهرمان داستان با بازی می‌کند. این ویژگی در قصه‌های تلویزیونی محسوس‌تر است.

تقویت خلاقیت: کودکان پس از شنیدن داستان، گاه خود به داستان‌گویی می‌پردازند یا با اسباب‌بازی‌های خود داستان را نمایش می‌دهند یا به تغییر بخشی‌هایی از داستان می‌پردازند و بنا به علاقه و دنیای خاص خود نام‌ها یا صفحه‌ها و حوادث داستان را تغییر می‌دهند. گاه نیز رفتارهای بدیع و مبتکرانه در کودک دیده می‌شود که محصول قصه‌های شنیده یا خوانده و یا دیده شده است.

تقویت حس کنجکاوی: قصه‌ها به دلیل زنجیره حوادث، کودکان را وادار می‌کنند که به تعقیب حوادث بپردازند و یا آنچه را که در قصه شنیده در دنیای بیرون جستجو کنند. در یک قصه علمی به خوبی می‌توان زمینه کنجکاوی در بیرون را فراهم کرد. مثلاً اگر قهرمان یک قصه، کودکی است که در جنگل گم شده و از ستاره‌ها یا نشانه‌های طبیعت، جهت را پیدا می‌کند. می‌توان از کودک نیز خواست تا به همین شیوه جهت‌یابی کند. کودک پس از شنیدن داستان انگیزه‌ی بیشتر و کنجکاوی افزون‌تری برای انجام چنین کاری خواهد داشت. این نکته گفتنی است که ما از نیرو و انگیزه‌ای که داستان در کودکان ایجاد می‌کند معمولاً بهره‌گیری و استفاده نمی‌کنیم.

اصلاح رفتار: قصه‌ها می‌توانند به اصلاح بهبود و تغییر رفتار کمک کنند. در نظام سنتی قصه‌گویی، نتیجه‌گیری‌های پس از قصه عمدتاً به همین معنا و قصد بوده است؛ به عبارت دیگر مقصد قصه، عبرت‌آموزی بوده است و تردیدی نیست که اگر در پایان قصه، باب موعظه و نصیحت باز نشود و قصه خود آموزنده و عبرت‌آموز باشد، چنین تأثیری را به صورت پیدا و پنهان در رفتار کودک خواهد داشت.

زبان‌آموزی: قصه‌ها، کودک را با واژه‌ها، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و... آشنا می‌سازند به همین دلیل قصه‌ها نقش مهم و جدی در زبان‌آموزی ایفا می‌کنند. در کنار قصه‌گویی می‌توان از کودک خواست تا کلمه یا کلماتی را تکرار کند یا مثلاً بگوید که قهرمان از کجا حرکت کرده نامش چه بوده، چه چیزی دیده، چه گفته و...، با این تکرارها که البته نباید حرکت و سرعت قصه‌گویی را کند و یا تحت تأثیر قرار دهد، می‌توان به کودک کمک کرد تا کلمات را بیان کرده، به خاطر سپرده و اگر احیاناً اشتباه یاد گرفته باشد تصحیح کند. قصه فرصت خوبی برای اصلاح لغزش‌ها و اشکالات زبانی می‌تواند باشد.

تعامل اجتماعی: اگر کودکان در جریان قصه فعال باشند و حتی بعد از گفتن قصه از آن‌ها درخواست شود که قصه را تعریف کنند، زمینه‌ای فراهم خواهد شد که با برقراری ارتباط بین سخن گفتن و بیان احساسات، شیوه‌های ارتباط با دیگران را تمرین کنند. این شیوه به‌ویژه برای کودکان خجالتی و انزواطلب بسیار مؤثر است.

پیوند فرهنگی: قصه‌ها عامل انتقال میراث فرهنگی و پیوند میان امروز و گذشته می‌باشند. کودکان با شنیدن قصه‌ها به آرمان‌ها، آرزوها، رنج‌ها و شادی‌ها، باورها و نوع زندگی گذشتگان پی خواهند برد. گویی، قصه‌ها پلی هستند که کودکان امروزی را به ژرفای گذشته برده و نوعی آموزش تاریخی نیز محسوب می‌شوند زیرا از لابه‌لای قصه‌ها، تصویری از گذشته فرا روی خواننده یا شنونده قرار می‌گیرد.

پرورش قدرت تخیل: در قصه‌ها عنصر تخیل بسیار قوی و مؤثر است بسیاری از قصه‌ها دارای عناصر تخیلی هستند. تخیل کودک با شنیدن و خواندن داستان پرورش می‌یابد. گاه دیده شده است که کودک در بیان داستانی که شنیده است به دخل و تصرف می‌پردازد یا داستانی بر همان مبنای سازد اگر این تخیل جهت داده شود، کشف استعداد کودکان در زمینه‌های ادبی و هنری هموار می‌شود. قصه‌گویی یکی از بهترین راه‌های کشف توان و استعداد کودکان است.

قصه‌گویی از روی میل و علاقه، تصویرهای ذهنی و تجسم فکری را جهت می‌دهد و به تخیل قصه‌گو و شنونده دامن می‌زند. ما با ایجاد محرک‌های طبیعی مثل قصه‌گویی و قصه‌خوانی از آغاز دوره‌ی کودکی به بچه‌ها کمک می‌کنیم تا به صورت غیرمستقیم و در فضایی آزاد و به دور از هرگونه اعمال عقیده، خلاقیت خود را رشد دهند.

روانشناسان و متخصصان آموزش و پرورش بر این عقیده‌اند که شکل‌گیری فرآیندهای عالی ذهن انسان در دوران کودکی اگر در شرایط آزاد و دموکراتیک صورت گیرد به مکانیسم‌های فعال و نیرومندی بدل می‌شوند که توسط آن‌ها فرهنگ بشری به صورت بخشی از طبیعت او در می‌آیند و آن را همواره پویا و زنده نگه خواهند داشت. مهارت در جمع‌بندی و نقد ادبی را نیز می‌توان به کمک قصه‌ها در هر سطح از دشواری پرورش داد و ارتقا بخشید. کودکان می‌توانند داستان‌ها را هم به صورت شفاهی و هم نوشتار خلاصه و یا بازگویی کنند. بازگفتن بخشی از داستان که آن را بیشتر از بقیه دوست می‌دارند، بحث کردن درباره مهم‌ترین آگاهی‌هایی که به دست آورده‌اند، توصیف خنده‌دارترین بخش قصه و گفت‌وگو درباره هیجان‌انگیزترین بخش و شرح کنش‌های شخصیتی که بسیار قابل تحسین و یا نکوهش است مهارت آنان را در نقد ادبی افزایش می‌دهد. در مجموع می‌توان گفت قصه‌ها از راه رشد و پرورش زبانی و شناختی و خلاقیت کودکان دامنه فعالیت‌های ادبی و هنری آنان را گسترده می‌کنند.

در واقع پرورش عادات مفید در کودک، تشویق حس استقلال‌طلبی و پرورش خلاقیت که یکی از عناصر مهم فعالیت‌های ادبی و هنری می‌باشد از اهداف اصلی طرح قصه‌های خوب برای کودکان است. شنیدن قصه‌ها به رشد ذهنی و روانی کودک کمک زیادی می‌کند و تنها در فرآیند قصه‌گویی توسط والدین و مربیان این احساس آرامش و شوق عاطفی که پیش‌نیاز فعالیت‌های خلاق مثل فعالیت‌های ادبی و هنری است شکل می‌گیرد.

پژوهش‌هایی به بررسی تأثیرات قصه‌گویی بر خلاقیت دانش‌آموزان پرداخته‌اند از جمله:

دائو گاسپار^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی که در کشور رومانی انجام داد به این نتیجه رسید که روشهای آموزشی خلاق معلمان یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری نگرش‌های خلاقانه دانش‌آموزان و در نتیجه شخصیت خلاق است.

هویی و لو^۲ (۲۰۰۶) به بررسی تأثیر آموزش نمایش در دانش‌آموزان پایه اول تا چهارم در کشور هنگ‌کنگ پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد دانش‌آموزان گروه آزمایش نمرات بالاتری را در آزمون خلاقیت و قصه‌گویی و طراحی نسبت به گروه کنترل به دست آوردند. از سوی دیگر فرا تحلیلی که در سال ۲۰۱۳ انجام شده است، نشان می‌دهد که وجود محیط‌های یادگیری خلاقانه در زمینه آموزش، بر پیشرفت تحصیلی اثربخش است. (دیویس و همکاران^۳، ۲۰۱۳).

رادبخش، محمدی‌فر و کیان ارثی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت کودکان به این نتیجه دست یافتند که استفاده از روش بازی و قصه‌گویی به طور معناداری باعث افزایش خلاقیت در هر چهار مولفه آن در گروه‌های بازی و قصه‌گویی می‌شود.

علوی لنگرودی و رجایی (۱۳۹۵) به بررسی تأثیر برنامه درسی قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی در دروس انشاء و هنر پرداختند. نتایج به دست آمده نشان داد که اجرای برنامه درسی قصه‌گویی و نمایش خلاق بر

^۱ -Dau Gaspar

^۲ -Hui & Lau

^۳ - Davies, et al

عملکرد تحصیلی و زیر مقیاسه‌ای سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف‌پذیری خلاقیت دانش‌آموزان تأثیر مثبت و معناداری داشته است؛ از اینرو می‌توان نتیجه گرفت برنامه درسی نمایش خلاق و قصه‌گویی بر رشد خلاقیت و افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد. کوتاه سخن اینکه رشد و پیشرفت خلاقیت و شکل‌گیری هویت کودکان از سال‌های پیش دبستانی و دبستان؛ در همان سال‌های حساسی که توسعه اجتماعی، روانی و فیزیکی کودک به حداکثر خود می‌رسد، شروع می‌شود. ولی برخلاف مسائل یادشده، نظام آموزشی ما در گریز از سنت‌های اصیل و پرهیز از بکارگیری فعالیت‌های هنری در امر تعلیم و تربیت، از دستاوردها و نتایجی که جوامع پیشرفته از بکارگیری فعالیت‌های فوق‌نصیب خویش کرد، غافل مانده است (ذاکری و شمشیری، ۱۳۹۴). در این تحقیق به دنبال آن هستیم که تأثیر قصه‌گویی بر میزان خلاقیت و هویت کودکان در دوره پیش‌دبستان مورد مطالعه قرار دهیم. و فرضیه‌های پژوهش عبارت‌اند از:

فرضیه اول: بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون رشد خلاقیت کودکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون رشد هویت کودکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین شاغل بودن مادران با رشد خلاقیت و هویت کودکان رابطه وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین وضعیت اقتصادی خانواده با رشد خلاقیت و هویت کودکان رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر تأثیر آزمایشی قصه‌گویی بر خلاقیت و هویت مورد بررسی قرار گرفت. در پژوهش حاضر از طرح پژوهش پیش‌آزمون و پس‌آزمون بدون گروه کنترل استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش کلیه کودکان پیش‌دبستان شهر نی‌ریز می‌باشند که نمونه مورد نظر از بین ۵۰ نفر از کودکان پیش‌دبستانی شهر نی‌ریز انتخاب شدند و با هماهنگی یک مهد کودک و آمادگی نخست پرسشنامه خلاقیت و هویت کودکان از نظر مربیان بر روی همه کودکان پیش‌دبستان اجرا شد. سپس بعد از اجرای برنامه‌ی قصه‌گویی یک هفته بعد مجدداً آزمون تکرار شد. روش نمونه‌گیری به صورت خوشه‌ای تصادفی بود که اعضای نمونه از بین پیش‌دبستانی‌های زیر نظر بهزیستی، آموزش و پرورش و خانه‌های قرآنی انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه خلاقیت کودکان از نظر مربیان می‌باشد، این پرسشنامه از پرسشنامه خلاقیت عابدی استخراج شده است که شامل ۳۰ ماده است و هر ماده نیز سه گزینه دارد. اعتبار تست سنجش خلاقیت عابدی بررسی شده است. برای این کار از روش ضریب همسانی درونی و آلفای کرونباخ استفاده شد. این ضریب برای بخش‌های سیالی، ابتکار، انعطاف‌پذیری و بسط به ترتیب ۰/۶۷، ۰/۶۱ و ۰/۶۱ بود. در مرحله بعد و با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی میزان هماهنگی مواد تست در هر بخش محاسبه شد. مواد تست در هر چهار بخش همبستگی نسبتاً بالایی (بین ۰/۵۵ تا ۰/۸۵) با نخستین متغیر نهفته داشتند. هر یک از بخش‌ها، عامل یا متغیر نهفته اول بین ۵۰ تا ۶۰ درصد از واریانس کل سؤال‌ها را تبیین می‌کرد که این نشانگر هماهنگی درونی و روایی سازه آزمون است. برای بررسی روایی تست سنجش خلاقیت، دو روش کاملاً متفاوت به کار رفت، در ابتدا از روش کلاسیک همبستگی گشتاوری بین این مقیاس و مقیاس‌های ملاک استفاده

شد و بعد، روش نسبتاً جدید تحلیل عاملی به کار گرفته شد. نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان می‌دهد که تست تورنس، تست دانشگاه دوستو، تست سنجش خلاقیت و نمره‌های آموزگاران به خلاقیت دانش‌آموزان، یک سازه واحد، یعنی خلاقیت را می‌سنجد. به عبارت دیگر، نتایج حاصل از کاربرد روش تحلیل عاملی نشان می‌دهد که پرسشنامه سنجش خلاقیت از روایی همزمان قابل قبولی برخوردار است (ساعتچی و همکاران، ۱۳۸۹).

پرسشنامه سبک هویت: پرسشنامه سبک هویت (برزونسکی، ۱۹۹۲) (یک مقیاس ۴۰ سوالی است که ۱۱ سوال آن مربوط به مقیاس اطلاعاتی، ۹ سوال مربوط به مقیاس هنجاری، ۱۰ سوال آن مربوط به مقیاس سردرگم یا اجتنابی و ۱۰ سوال دیگر مربوط به مقیاس تعهد است که برای تحلیل ثانویه استفاده میشود و یک سبک هویتی محسوب نمیشود. پاسخ آزمودنی‌ها به سوالات به شکل طیف لیکرت ۵ درجه‌ای می‌باشد که شامل کاملاً مخالف = ۱ تا کاملاً موافق = ۵ است. برزونسکی پایایی درونی (ضریب آلفا) مقیاس اطلاعاتی را، ۶۲٪ مقیاس هنجاری ۶۶٪ مقیاس سردرگم یا اجتنابی را ۷۳٪ گزارش کرده است. برای ارزیابی و سنجش همسانی درونی پرسشنامه سبک هویت، شد که ضرایب به دست آمده با ضرایب محاسبه شده توسط برزونسکی بسیار نزدیک است (غضنفری، ۱۳۸۲).

روش اجرا

ابتدا هدف از اجرای آزمون برای آزمودنی‌ها بیان شد، سپس برگه‌های پاسخنامه را بین آنان توزیع نموده و از آنان خواسته شد تا مشخصات خود را روی آن ثبت کنند. قبل از توزیع پرسش‌نامه از آزمودنی‌ها خواسته شد که هیچ علامتی روی پرسشنامه نگذارند و چنانچه سؤالی نیاز به توضیح داشت سؤال نمایند تا برای آن‌ها توضیح داده شود.

مراحل انجام پژوهش

در پژوهش حاضر از طرح پژوهش پیش‌آزمون - پس‌آزمون استفاده شد. پس از اجرای پیش‌آزمون طی ۶ جلسه ۴۵ دقیقه‌ای (۲ جلسه در هفته)، قصه‌گویی انجام شد و ۱ هفته بعد از آخرین جلسه پس‌آزمون اجرا شد. در برنامه درمانی از فنون قصه‌گویی زیر استفاده شد:

کتاب قصه:

حسینی و گل‌خندان، داستان میخ، ارزن و سنگ، نوشته‌ی: مژگان شیخی

فعالیت مراقبه‌ای:

آسمان آبی: از دانش‌آموزان خواسته شد چشمانشان را ببندند و آسمان آبی و صاف را مجسم کنند و سعی کنند ذهنشان را از هر فکری خالی کنند. اگر فکری به ذهنشان رسید، می‌توانستند آن را به صورت ابری شناور در آسمان مجسم کنند و بگذارند این ابر در آسمان به آرامی

حرکت کند.

کلاژ (هنر آمیزش رنگ‌ها): از بچه‌ها خواسته شد آنچه در ذهنشان می‌گذرد را در قالب تصویر بیان کنند. ساختن کلاژ بهترین راه است، روشی عالی برای ایجاد سازمان‌دهی ایده‌ها. به منظور استنباطی داده‌ها از آزمون t و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همچنین پردازش‌های آماری لازم بر روی نمره‌ها با استفاده از برنامه نرم‌افزاری spss تحت ویندوز (نسخه ۱۹) انجام گردید.

یافته‌ها

در این بخش فرضیه‌های تحقیق مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

فرضیه اول: بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون رشد خلاقیت و نوآوری کودکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۱. بررسی تأثیر قصه‌گویی بر رشد خلاقیت کودکان

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	سطح معنی‌داری
پیش‌آزمون	۵۰	۸۰/۵۸	۱۷/۳۲	-۰/۸۸۴	۰/۰۰۱
پس‌آزمون	۵۰	۸۳/۶۴	۱۷/۲۶		

بر اساس داده‌های جدول ۱ تفاوت معناداری بین میزان خلاقیت دو گروه در سطح ۰/۰۱ درصد خطای آماری مشاهده می‌شود که این تفاوت با توجه به میانگین‌ها به نفع نمرات پس‌آزمون است یعنی قصه‌گویی بر رشد خلاقیت آزمودنی‌ها تأثیر مثبت داشته است؛ بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر قصه‌گویی بر رشد خلاقیت و نوآوری تأیید می‌شود.

فرضیه دوم: بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون رشد هویت کودکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۲. بررسی تأثیر قصه‌گویی بر رشد هویت کودکان

گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معنی‌داری
پیش‌آزمون	۵۰	۷۷/۶۸	۱۵/۶۲	۰/۵۰۶	۰/۰۰۲
پس‌آزمون	۵۰	۸۰/۴۲	۱۶/۴۴		

بر اساس داده‌های جدول ۲ تفاوت معناداری بین میزان هویت دو گروه در سطح ۰/۰۱ درصد خطای آماری مشاهده می‌شود که این تفاوت با توجه به میانگین‌ها به نفع نمرات پس‌آزمون است یعنی قصه‌گویی بر رشد هویت آزمودنی‌ها تأثیر مثبت داشته است؛ بنابراین فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر قصه‌گویی بر رشد هویت تأیید می‌شود.

فرضیه سوم: بین شاغل بودن مادران با رشد خلاقیت و هویت کودکان رابطه وجود دارد.

جدول ۳. بررسی رابطه بین شاغل بودن مادران با رشد خلاقیت و هویت کودکان

		شاغل بودن مادران	رشد خلاقیت	رشد هویت
شاغل بودن مادران	همبستگی پیرسون	۱	-۰/۲۳۹	-۰/۳۸۵
	سطح معناداری		۰/۰۹۴	۰/۰۰۴
	تعداد داده‌ها	۵۰	۵۰	۵۰

چنانچه از داده‌های جدول ۳ قابل تشخیص است ارتباط معناداری بین شاغل بودن مادران و خلاقیت فرزندان در سطح ۰/۰۵ درصد خطای آماری وجود ندارد؛ همچنین بین شاغل بودن مادران و رشد هویت کودکان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین وضعیت اقتصادی خانواده با رشد خلاقیت و هویت کودکان رابطه وجود دارد.

جدول ۳. بررسی رابطه بین وضعیت اقتصادی خانواده با رشد خلاقیت و هویت کودکان

		وضعیت اقتصادی خانواده	رشد خلاقیت	رشد هویت
وضعیت اقتصادی خانواده	همبستگی پیرسون	۱	-۰/۴۵۰	-۰/۲۰۸
	سطح معناداری		۰/۰۰۱	۰/۰۸۱
	تعداد داده‌ها	۵۰	۵۰	۵۰

چنانچه از داده‌های جدول ۴ قابل تشخیص است ارتباط معناداری بین وضعیت اقتصادی خانواده و خلاقیت فرزندان در سطح ۰/۰۵ درصد خطای آماری وجود دارد؛ همچنین بین وضعیت اقتصادی خانواده و رشد هویت کودکان رابطه معنی‌داری مشاهده نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین تأثیر قصه‌گویی بر رشد خلاقیت و نوآوری و رشد هویت کودکان پیش‌دبستانی شهر نی‌ریز در قالب طرح آزمایشی بوده در چهارچوب روش آزمایشی با اجرای پیش‌آزمون ۵۰ کودک پیش‌دبستانی که از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند برنامه قصه‌گویی بر روی آن‌ها انجام شد و در پایان پس‌آزمون گرفته شد. نتایج برنامه قصه‌گویی بر ۵۰ کودک در پایان برنامه از این قرار بود:

بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون رشد خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی توجه تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/001$).

بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون رشد هویت کودکان پیش‌دبستانی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P=0/002$).

بین شاغل بودن مادران و خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی رابطه وجود ندارد ($P=0/094$).

بین شاغل بودن مادران و رشد هویت کودکان پیش‌دبستانی رابطه معنی‌داری وجود دارد ($P=0/004$).

بین وضعیت اقتصادی خانواده و خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی رابطه وجود ندارد ($P=0/001$).

بین وضعیت اقتصادی خانواده و رشد هویت کودکان پیش‌دبستانی رابطه معنی‌داری وجود ندارد ($P=0/081$).

فرضیه اول و دوم مبنی بر این بود که بین میانگین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون رشد خلاقیت و هویت کودکان تفاوت معنی‌داری وجود دارد، تفاوت بین نمرات پس‌آزمون و پیش‌آزمون بیانگر این است که قصه‌گویی بر رشد خلاقیت و هویت آزمودنی‌ها تأثیر مثبت داشته است؛ نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش علوی لنگرودی و رجایی (۱۳۹۵) مبنی بر اینکه برنامه درسی نمایش خلاق و قصه‌گویی بر

رشد خلاقیت و افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد و پژوهش رادبخش، محمدی‌فر و کیان ارثی (۱۳۹۲) مبنی بر اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت کودکان به همسو می‌باشد. همچنین با پژوهش‌های میلر، فنگک و لیانگک (۱۹۹۷)، تیز (۲۰۰۹)، آیدین ویرین (۲۰۰۵)، وب وبرت (۲۰۰۱)، فرید برگ (۱۹۹۴) بیانگر تأثیر قصه‌گویی در رشد خلاقیت دانش‌آموزان، همسو می‌باشند (به نقل از ذکریایی و همکاران، ۱۳۹۰).

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان استنباط کرد که مطالعه و یا شنیدن داستان، کودکان و نوجوانان را یاری می‌کند تا همراه با قهرمانان در پی حل گره‌های داستان برآیند. هر قدر قصه‌گو قدرت بیشتری در جذب مخاطبان از خود نشان دهد و بر حس‌گیری آنان تأثیر عمیق‌تری داشته باشد، بیشتر می‌تواند از خلاقیتشان در حل مسائل یاری طلبد. کودکان و نوجوانان هنگام شنیدن قصه به کمک خلاقیت خود، تجربیات ارزشمندی به دست می‌آورند که می‌توانند آن‌ها را در زندگی خود به کار گیرند. قصه و قصه‌گویی با پرورش قدرت تخیل و خلاقیت در کودکان و به‌وسیله‌ی کمک به رشد قدرت بیان، عواطف و افکار کودکان، تحریک قوه ابتکار، ابداع، ایجاد عشق و علاقه نسبت به ادبیات از طریق رشد و پرورش زبانی در حوزه فعالیت‌های ادبی و رشد شناختی و گسترش تصویرهای ذهنی و تجسم فکری در حوزه فعالیت‌های هنری و در نهایت در هویت کودکان تأثیر بسزایی دارد. تربیت ذوق ادبی و هنری کودکان و نوجوانان، تقویت حس کنجکاوی آنان، ایجاد نظم فکری و تمرکز حواس، تربیت نیروی تکلم، گسترش و تربیت توانایی تفکر و تخیل، تقویت قدرت شناخت ارزش‌ها، عادت بر دقت ارادی، تقویت فهم و ادراک و نظیر این مسائل، حاصل ایجاد ارتباطی است که کودکان با مربی قصه‌گو ایجاد می‌کنند. شنیدن قصه کودک را به سفری می‌برد که با علایق درونش سازگاری دارد، سفری که همراه با لذت کشف می‌باشد.

همچنین در تبیین یافته‌ها می‌توان بیان نمود که قصه‌گویی هنر گوش سپردن (دقت شنیداری) را تقویت می‌کند و چنانچه داستانی که برای کودکان نقل می‌شود ارزش شنیدن داشته باشد آنان مشتاق یادگیری کلیدهایی در داستان می‌شوند که نمادها را برای آن‌ها می‌گشایند و معنا می‌کنند. کودک کاملاً با شخصیت و حوادث مستقل داستان همراه می‌شود و آن‌ها را با دیگر موقعیت‌های زندگی روزمره خود همسان می‌پندارد. شنیدن قصه امکان تمرین تصویرسازی ذهنی را برای کودک فراهم می‌سازد. توانایی تجسم و خیال‌پردازی مبنای تصور خلاق است و به نظر می‌رسد این توانایی بر رشد شناختی و اجتماعی کودک و در نهایت بر هویت وی تأثیری مثبت دارد.

در تبیین یافته‌های فرضیه سوم پژوهش می‌توان بیان نمود که شاغل بودن مادر نقشی در میزان خلاقیت ندارد؛ از نظر محقق این مهم به این دلیل است که هر چند مادران شاغل توانمندی‌های خاصی را به دست آورده‌اند اما آنها زمان کمتری را به نسبت مادرانی که شاغل نیستند دارند و این موجب شده است رابطه‌ای مشاهده نگردد. همچنین مادران شاغل در پرورش هویت کودکان خود نیازمند به دقت نظر بیشتری هستند و از زمانی که در منزل سپری می‌کنند زمان بیشتری و با کیفیت مطلوب‌تری را می‌بایست با کودکان خود سپری کنند.

در تبیین یافته‌های فرضیه چهارم پژوهش این بخش از پژوهش می‌توان ایراد نمود که وضعیت اقتصادی بهتر منجر به حضور ابزار و وسایل در دسترس بیشتر، آرامش خاطر بیشتر، تفکر به سمت نیازهای مراتب بالاتر در هرم مازلو می‌شود و این امکانات سبب افزایش خلاقیت فرزندان خانواده می‌شود. اما وضعیت اقتصادی خانواده نتوانسته در هویت تأثیر چندانی بگذارد و احساس می‌شود مقوله هویت به فرهنگ و جو حاکم بر خانواده بیشتر مرتبط می‌باشد تا اقتصاد خانواده.

باید در نظام آموزشی فرصت‌هایی فراهم شود که در برانگیختن انگیزه برای معلمین نقش کاربردی باشد. همچنین برای کسب جایگاه مناسب برای فعالیتی نظیر قصه‌گویی لازم است در دانشگاه‌ها و سایر مؤسسات مرتبط رشته‌ای خاص ایجاد گردد تا نیروهایی توانمند برای فن قصه‌گویی تربیت شوند. علاوه بر آن دوره‌های آموزش ضمن خدمت ویژه معلمین و معرفی منابع غنی ادبی به آن‌ها از سوی مراکز نظیر کانون که قصه‌گویی را به‌عنوان یکی از فعالیت‌های اصلی در سرلوحه‌ی برنامه‌های خود دارد، می‌تواند جایگاه واقعی قصه‌گویی و نقشی که می‌تواند در آموزش و پرورش کودکان ایفا کند را به معلمین نشان بدهد. برگزاری جشنواره‌های قصه‌گویی بین معلمین ابتدایی و همچنین جشنواره‌ی رقابتی بین مربیان کانون و معلمین مدارس نیز می‌تواند جایگاه قصه‌گویی را بهبود بخشد. همچنین کانون به‌عنوان متولی قصه‌گویی در کشور باید در شیوه‌های برگزاری این فعالیت در کانون تجدیدنظر انجام دهد تا زمینه‌ی بروز و ظهور استعدادهاى جدید در قصه‌گویی فراهم شود؛ مثلاً کانون می‌تواند قصه‌گویی و کتاب‌هایی در این زمینه و به‌ویژه کتاب قصه‌ها را به خانواده‌ها امانت دهد تا علاوه بر ایجاد فرهنگ مطالعه هنر قصه‌گویی در خانواده‌ها زنده بماند (بیدمشکی، ۱۳۸۵).

پیشنهادها

- ✓ انجام تحقیقات بیشتر پیرامون تاثیرات قصه‌گویی با دانش‌آموزان در مقاطع مختلف تحصیلی
- ✓ برگزاری کارگاه‌های آموزشی آموزش فن قصه‌درمانی به مربیان و معلمان و والدین دانش‌آموزان
- ✓ تالیف کتاب قصه‌هایی متناسب با سن کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی که به‌عنوان بخشی از زنگ هنر در مدارس

مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

- اکبرلو، منوچهر. (۱۳۸۹). نمایش عروسکی با کودکان در آغاز راه. نشریه تک، ۱(۳)، ۲۸-۲۰.
- بیدمشکی، مریم. (۱۳۸۵). نقش قصه و تأثیرات تربیتی آن بر کودکان (برگزیده مقالات قصه‌گویی)، یزد، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- پلووسکی، آن. (۱۳۹۴). *دنیای قصه‌گویی*، ترجمه محمدابراهیم اقلیدی، تهران، سروش.
- جمال‌زاده، محمد، نقش قصه و قصه‌گویی در تربیت کودکان، *مجله پیوند*، شماره ۲۷۹، ۱۳۸۱، ۵۷-۵۴.
- چمبرز، دیویی. (۱۳۹۰). *قصه‌گویی و نمایش خلاق*، ترجمه ی ثریا قزل ایاغ، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ذاکری، مختار و شمشیری، بابک. (۱۳۹۴). بررسی مفهوم هویت در مجموعه داستان‌های قصه‌های شیرین مغزدار و قصه بازی شادی، *مجله مطالعات ادبیات کودک*، سال ششم، شماره سوم، پیاپی ۱۱، ۸۶-۵۹.
- ذکریایی، منیژه؛ سیف نراقی، مریم؛ شریعتمداری، علی و نادری، عزت‌الله. (۱۳۹۰). بررسی اثر اجرای برنامه درسی با بهره‌گیری از قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و یادگیری دانش‌آموزان دختر پایه چهارم مقطع ابتدایی منطقه ۵ شهر تهران. *پژوهشنامه تربیتی دانشگاه آزاد بجنورد*، ۴(۱۶)، ۵۲-۱۹.
- روشن، آرتور. (۱۳۸۵). *قصه‌گویی، چگونه از داستان برای کمک به کودکان در رفع مشکلات زندگی بهره ببریم*، جوانه رشد.
- رادبخش، ناهید؛ محمدی فر، محمدعلی و کیان ارثی، فرحناز. (۱۳۹۲). اثربخشی بازی و قصه‌گویی بر افزایش خلاقیت، *فصلنامه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، دوره دوم، شماره ۴، ۱۹۵-۱۷۷.
- شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. (۱۳۸۴). *ادبیات کودکان*، تهران، اطلاعات.
- صدرزاده، ماندانا. (۱۳۹۰). نقش قصه‌های تمثیلی در تعلیم و تربیت، *پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی*، دوره اول، شماره اول، ۶۴-۴۹.
- علوی لنگرودی، سیدکاظم و رجایی، افسانه. (۱۳۹۵). تأثیر برنامه درسی قصه‌گویی و نمایش خلاق بر خلاقیت و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی در دروس انشا و هنر، *فصلنامه پژوهش در برنامه ریزی درسی*، سال سیزدهم، دوره دوم، پیاپی ۲۴، ۱۲۹-۱۱۸.
- غضنفری، احمد. (۱۳۸۲). *اعتبار یابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت، مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی*، شماره ۱۷، ۹۶-۸۱.

- Raymond, S. (۲۰۰۸). Digital Storytelling in the Classroom: New Media Pathways to Literacy, Learning, and Creativity. *Computers and Composition*, ۲۵(۴), ۴۴۹-۴۵۲
- Davies, D., Jindal-Snape, D., Collier, C. Digby, R., Hay, P., & Howe, A. (۲۰۱۳). Creative learning environments in education—A systematic literature review. *Thinking Skills and Creativity*, ۸, ۸۰-۹۱.
 - Hemati, E. (۲۰۱۰). *Child, Story and drama (Ways of creation child's Story and drama)*. Arak: Islamic Azad University Publication. [Persian]
 - Hui, A., & Lau, S. (۲۰۰۶). Drama education: A touch of the creative mind and communicative expressive ability of elementary school children in Hong Kong. *Thinking skills and creativity*, ۱(۱), ۳۴-۴۰.
 - Dău-Gaşpar, O. (۲۰۱۱). *The Teacher's Creative Attitudes—An Influence Factor of the Students' Creative Attitudes*. International Conference on the future of education, Florence, Italy.